

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



تفسیر کلمات قرآنی با رویافت عرفانی

جلد اول

تفسیر کلمات قرآنی با رویافت عرفانی

تفسیر کلمات قرآنی با رویافت عرفانی

تفسیر کلمات قرآنی با رویافت عرفانی

تفسیر کلمات قرآنی با رویافت عرفانی

تفسیر کلمات قرآنی با رویافت عرفانی

تفسیر کلمات قرآنی با رویافت عرفانی

تفسیر کلمات قرآنی با رویافت عرفانی

تفسیر کلمات قرآنی با رویافت عرفانی

تفسیر کلمات قرآنی با رویافت عرفانی

جلد اول

تفسیر علیا

تفسیر کلمات قرآنی با رویافت عرفانی



انتشارات خادم الرضا (ع)

■ لم / خیابان صفائیہ (شہدائے)
انتہای کوی بیگدلی /

نیش کوی شہید گل دوست / بلاک ۲۸۴

■ صندوق پستی ۳۷۱۵۵/۶۱۱۳

■ تلفن: ۷۷۲۲۱۴۲ - ۷۷۳۶۱۶۵ / ۲۵۱ - ۰۹۱۲۵۵۱۷۲۵۸

تفسیر علیا (جلد اول)

شرح کلمات قرآنی بارہیافت عرفانی

■ تالیف: دکتر اسماعیل منصوری لاریجانی

■ ویراستار: محمد حسن استادی مقدم

■ ناشر: خادم الرضا (ع)

■ نویت چاپ: دوم - اسفند ۸۶

■ تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه

■ قیمت: شومیز: ۴۲۰۰ تومان - گالینگور: ۴۹۰۰ تومان

■ شابک: ۹ - ۴۶ - ۲۵۹۰ - ۹۶۴ - ۹۷۸

جميع حقوق محفوظه است.

■ مرکز پخش:

ستاد اجرایی طرح توسکا (مجری توزیع سراسری کتاب ایران)

تلفن: ۷۷۲۲۱۴۲ - ۷۷۳۶۱۶۵ / ۲۵۱ - ۰۹۱۲۵۵۱۳۶۸۹

«فهرست مطالب»

۳۹..... مراتب تجلی نور ۳۹..... ۱. نور به معنی وجود ۴۰..... ۲. نور به معنی ایمان ۴۵..... ۳. نور به معنی قرآن ۴۶..... ۴. نور به معنی ولایت ۵۲..... انوار انسانی فصل دوم: تسبیح ۶۰..... تسبیح در لغت ۶۱..... تسبیح در اصطلاح صوفیه ۶۱..... تسبیح، در اصطلاح طریقت ۶۱..... تسبیح در قرآن ۶۲..... ۱. تسبیح همه موجودات ۶۳..... ۲. تسبیح رعد ۶۳..... ۳. تسبیح پرندگان ۶۴..... ۴. تسبیح جبال با حضرت داود ۶۴..... ۵. تسبیح ملائکه ۶۵..... ۶. وجوب تسبیح برای انسان ۶۵..... ۷. تأکید ویژه به پیامبر ﷺ برای تسبیح ۶۹..... تسبیح، زبانی است یا تکوینی؟ نظر بعضی از مفسران در مورد تسبیح زبانی یا	دییاجه..... ۹ طبقات مفسران..... ۱۰ روش تفسیری محدثان..... ۱۲ روش متکلمان در تفسیر قرآن..... ۱۲ روش فلاسفه در تفسیر قرآن..... ۱۳ روش تفسیر قرآن بر مبنای علوم طبیعی و اجتماعی..... ۱۴ کاشتی‌های مشترک تمام مسلک‌های تفسیری مذکور..... ۱۵ خطرات تفسیر به رأی..... ۱۵ حد صلاحیت صحابه در تفسیر به مأثور..... ۱۸ تفاسیر مهم شیعه و سنی..... ۱۸ تفسیر ولایی چیست؟..... ۲۳ طریق استفاده از روایات در تفسیر قرآن..... ۲۷ تفسیر در مرحله دوم (دست دوم)..... ۲۸ فصل اول: نور معنای لغوی..... ۳۰ واژه «نور» در قرآن..... ۳۰ معنای اصطلاحی نور..... ۳۱ نور در اصطلاح صوفیان و عارفان..... ۳۵
---	--

■ فصل چهارم: قرب

۱۱۶	معنای لغوی	۷۴	تکوینی
۱۱۷	قرب در قرآن کریم	۷۶	رابطه تسبیح و تحمید
۱۱۹	قرب در اصطلاح عرفان	۷۸	تسبیح در کلام حضرت امیر علیه السلام
۱۲۱	قرب فرایض		
۱۲۵	ابزار قرب		
۱۲۹	تفاوت مودت و قرب		

■ فصل هفتم: حب

۸۲	معنای لغوی و اصطلاحی
۸۳	عشق یا اشد حب
۸۵	معنای لغوی عشق

■ فصل پنجم: می (شراب)

۱۳۲	معنای اصطلاحی	۸۶	وجه تسمیه «عشق»
۱۳۳	شرب	۸۷	مراتب عشق
۱۳۴	می عشق	۸۸	اتحاد عاشق و معشوق
۱۳۴	می مغانه	۹۰	آیا عشق از محبت شدیدتر است؟
۱۳۵	انواع شراب	۹۰	تفسیر برخی از آیات در این باره
۱۳۷	کاس (جام)	۹۰	فرق دوستی محمد صلی الله علیه و آله و دوستی ابراهیم
۱۳۸	جام الهی	۹۲	خلیل الله علیه السلام
۱۳۸	جام می	۹۵	محبت خداوند
۱۳۸	می و جام در قرآن	۹۶	انواع محبت
۱۴۲	انواع می و شراب در قرآن کریم	۹۷	محبت؛ علت وجود عالم
۱۵۵	مفهوم جام	۹۷	محبوبین خداوند و آثار محبت الهی در آنان
		۹۹	مراتب حب
		۱۰۰	علایم محبت

■ فصل هشتم: خشیت

۱۶۰	معنای لغوی	۱۰۰	۱. اطاعت
۱۶۰	خائف چه کسی است؟	۱۰۲	۲. دوستی متقابل
۱۶۳	ظهور خشیت	۱۰۵	۳. شوق مرگ
۱۶۴	فواید خشیت	۱۰۷	۴. ایثار و فداکاری
۱۶۶	راههای رسیدن به مقام خشیت	۱۰۹	۵. شب خیزی
۱۷۰	مراتب خشیت	۱۱۰	۶. زیاد فکر کردن
		۱۱۲	جایگاه محبت
		۱۱۲	نتایج محبت
		۱۱۲	مودت
		۱۱۳	وجوه مودت در قرآن کریم

فصل هفتم: نماز

۲۴۷	تأیید مطلب فوق	۱۷۹	چاره چیست؟
۲۵۱	زکات در روایات اسلامی	۱۸۱	نماز در لغت
۲۵۳	تقسیم بندی آیات مربوط به زکات	۱۸۲	نماز در قرآن
۲۵۳	موارد مصرف زکات	۱۹۰	فواید نماز
۲۵۴	زکات اهل شریعت	۲۰۰	ویژگی های نمازگزاران در قرآن
۲۵۵	زکات اهل طریقت	۲۰۲	نماز کودکان
۲۵۶	زکات اهل حقیقت	۲۰۵	حق نماز

فصل هفتم: قرآن، سوره، آیه

۲۵۸	معتقدان به مهموز بودن واژه قرآن
۲۶۳	معتقدان به غیر مهموز بودن واژه قرآن
۲۷۱	معنای باطنی قرآن
۲۷۴	سوره
۲۷۴	معنی لغوی سوره
۲۷۸	معنی اصطلاحی سوره
۲۷۹	ترتیب سوره ها
۲۸۰	نام ها و شماره سوره ها
۲۸۲	اقسام سوره ها
۲۸۵	حکمت تعیین سوره ها
۲۸۷	آیه
۲۸۷	معنی لغوی
۲۹۰	معنی اصطلاحی
۲۹۳	تعداد آیات قرآن
۲۹۵	تعداد کلمات و حروف قرآن
۲۹۷	نتیجه بحث

فصل هشتم: صوم

۲۰۸	صوم در لغت
۲۰۹	ضیافه الله
۲۱۰	اهمیت روزه
۲۱۲	احکام روزه
۲۱۲	وقت روزه
۲۱۳	روزه داری
۲۱۵	صوم در قرآن
۲۲۲	روزه در امت های پیشین
۲۲۳	اثر اجتماعی روزه
۲۲۳	اثر بهداشتی و درمانی روزه
۲۲۵	اثر تربیتی روزه
۲۲۷	امتیاز ماه رمضان
۲۳۵	عرفان پنجم

فصل نهم: زکات

۲۴۰	معنی لغوی
۲۴۰	معنای اصطلاحی
۲۴۲	اصطلاح عرفانی زکات
۲۴۳	تأییدی دیگر بر موضوع
۲۴۴	زکات قرآنی
۳۰۲	فرقان
۳۰۴	مفهوم فرقان در قرآن
۳۰۶	نتیجه

فصل دهم: فرقان، کتاب، تنزیل

نتیجه	۳۶۳
عهد	۳۶۵
عهد در قرآن	۳۶۵
نتیجه	۳۷۲
حجاب	۳۷۵
حجاب در قرآن کریم	۳۷۵
اصحاب اعراف چه کسانی هستند؟	۳۷۷
حجاب به معنی مانعی برای فهم یا دیدن	۳۷۹
حجاب مستور چیست؟	۳۸۰
حجاب به معنای رازداری و پوشیدن اسرار از غیر	۳۸۲
حجاب به معنای مانع معنوی	۳۸۴
حجاب به معنای مانع مادی	۳۸۶
نتیجه بحث	۳۸۷
فصل چهاردهم: وجه، لقاء، محضر	
وجه	۳۹۴
وجه در لغت	۳۹۴
نتیجه بحث	۴۰۴
لقاء	۴۰۶
لقاء در لغت	۴۰۶
نتیجه بحث	۴۱۳
محضر	۴۱۵
معنی حضور	۴۱۸
نتیجه	۴۲۱
کتابنامه	۴۲۳
	۴۶۲
	۴۶۲

کتابان	۳۰۸
معنی لغوی کتاب	۳۰۸
کتاب در قرآن	۳۰۹
نتیجه بحث	۳۱۶
تنزیل	۳۱۹
خکمت‌های نزول قرآن	۳۲۲
نتیجه بحث	۳۲۴
فصل دوازدهم: اعتصام، حبل، عصمت	
اعتصام	۳۲۸
اعتصام به خود خداوند یعنی چه؟	۳۲۹
حبل الله	۳۳۱
عصمت	۳۳۳
عصمت از نگاه فرقه‌های اسلامی	۳۳۴
نتیجه بحث	۳۳۴
مفهوم کیست؟	۳۳۵
عصمت تمسکی و عصمت تعلقی	۳۳۷
نظرات و ادله شیعیان درباره عصمت پیامبران و برگزیدگان الهی	۳۳۸
سهو و خطا هم مغایر عصمت است	۳۴۰
عصمت ائمه، استمرار عصمت انبیا	۳۴۴
	۳۶۶
فصل هیزدهم: امانت، صدق، عهد، حجاب	
امانت (امانه)	۳۵۰
نظر مفسران درباره امانت	۳۵۱
چند نکته درباره آیه مورد بحث	۳۵۲
اقوال در آیه	۳۵۶
نتیجه	۳۵۷
صدق	۳۵۹
صدق در لغت	۳۵۹

Journal of Management Education 30(6)p. 789-804

...and the

[illegible]

...and the ...

[illegible]

... ..

100

دنياچه

۱- تفسیر از ریشه «فَسَّرَ» گرفته شده که خود مشتق از «السَّفَر» به معنای کشف و ظهور است؛ چنان که می‌گوییم «أَسَفَرَ الصُّبْحُ»، یعنی صبح ظاهر شد. قول دیگر این است که مشتق از «فَسَّرَ يُفَسِّرُ» یا «فَسَّرَ يُفَسِّرُ فَسْرًا» به معنی آشکار کردن و اظهار نمودن چیزی است که در پرده مستور است.

در مورد آیات قرآن، تفسیر به معنای بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدلولات آن است، که از دیرباز اذهان دانشمندان اسلامی را به خود مشغول کرده است. تاریخ تفسیر، ریشه در عصر نزول قرآن دارد و این معنا از آیه زیر به دست می آید:

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ
الْحِكْمَةَ

همچنان که در بین شما رسولی از خود شما فرستادیم تا آیات ما را بر شما بخواند و تزکّه تان کند و کتاب و حکمتان بیاموزد.

طبقات مفسران

طبقه اول

در زمان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) طبعاً مسلمانان مشکلات خود را درباره معانی و مفاهیم آیات قرآن از آن حضرت می پرسیدند.

جمعی از صحابه مانند ابن عباس، عبدالله بن عمر و دیگران که افتخار شاگردی حضرت علی (علیه السلام) را داشتند، بیش از دیگران در فهم معانی قرآن دارای بصیرت بودند، بنابراین به عنوان مرجع در تفسیر آیات قرآن شناخته شدند.

البته در آن زمان، بحث از قرآن از چارچوب جهات ادبی آیات، شأن نزول آنها، مختصری استدلال به آیات برای توضیح آیات دیگر و اندکی تفسیر بر روایات وارد شده از پیامبر (صلی الله علیه و آله) در باب قصص و معارف مبدأ و معاد و... تجاوز نمی کرد.

طبقه دوم

در روش مفسران طبقه دوم یعنی تابعین - افرادی چون مجاهد، قتاده، ابن ابی لیلی، شعبی، سدی و دیگران - نیز که در دو قرن اول هجرت بودند، جریان به همین منوال بود. تنها چیزی که این گروه به تفسیر اضافه کردند، این بود که بیشتر از گذشتگان در تفسیر خود از روایات استفاده نمودند که متأسفانه در بین آن روایات، بعضی از احادیث جعلی بود، که یهودیان در بین قصص و معارف مربوط به آغاز خلقت و چگونگی ابتدای خلقت آسمانها و تکوین زمین و دریاها، خطاهای انبیاء و تحریف قرآن و... وارد احادیث صحیح کرده بودند. هم اکنون نیز در پاره ای از روایات تفسیری و غیر تفسیری، از این قبیل روایات دیده می شود.

بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، در عصر خلفا، فتوحات اسلامی شروع شد و

مسلمانان در بلاد فتح شده با فرقه‌های متنوع، ملت‌های گوناگون و نیز بنا علمای ادیان و مذاهب مختلف آشنا شدند و این مسأله سبب شد تا بحث‌های کلامی در میان مسلمانان شایع شود.

از سوی دیگر، در اواخر سلطنت امویان و اوایل حکومت عباسیان، یعنی در اواخر قرن اول هجری، فلسفه یونان به زبان عربی ترجمه شده و در بین علمای اسلام انتشار یافت و این امر سبب شد تا مباحث عقلی نیز به مجالس علمای اسلام وارد شود.

و از طرف دیگر، مقارن با انتشار بحث‌های فلسفی، مطالب صوفی‌گری در اسلام راه یافت و جمعی از مردم به آن متمایل شدند؛ در نتیجه این امر سبب شد که حقایق و معارف دینی را به جای برهان و استدلال فقهی، از راه مجاهده و دریافت‌های نفسانی دریابند.

همچنین جمعی از علما به همان تبعد صرف که در صدر اسلام نسبت به دستورات رسول خدا ﷺ داشتند، باقی ماندند و بدون این که کاری به عقل و فکر خود داشته باشند، در فهم آیات قرآن به احادیث اکتفا کردند و در فهم معنای حدیث هم هیچ گونه مداخله‌ای نمی نمودند و فقط به ظاهر آن‌ها تبعد می کردند و اگر هم احیاناً بحثی از قرآن به میان می آمد، تنها از جهات ادبی آن بود.

بنابراین، عوامل ذکر شده باعث شد تا روش اهل علم در تفسیر قرآن کریم مختلف شود. علاوه بر این چهار عامل، عامل مهم دیگری که در این اختلاف، اثر به سزایی داشت، اختلاف مذاهب بود. در بسیاری از مسایل اسلامی، از جمله معنای اسماء الهی، صفات و افعال خداوند، آسمان‌ها و آنچه در آن است و نیز در معنای زمین و آنچه در آن است، قضا و قدر، جبر و اختیار، ثواب و عقاب، مرگ و برزخ، بعث، بهشت و دوزخ و... اختلاف وجود داشت.

به با توجه به این که در تمامی مسایلی که با حقایق و معارف دینی ارتباط داشت، اختلافات مذهبی راه یافته بود؛ آنان در طریقه بحث از معانی آیات قرآنی متفروق شدند و هر جمعیتی برای خود طریقه‌ای مذهبی به وجود آورد. لذا برای آشنایی هر چه بیشتر خوانندگان گرانقدر با روش‌های مختلف تفسیری، در این قسمت برخی از این روش‌ها را معرفی می‌کنیم.

روش تفسیری محدثان

آن عده که به اصطلاح محدث، یعنی حدیث شناس بودند، تفسیر به مآثور می‌کردند و در فهم معانی آیات به آنچه که از صحابه و تابعین روایت شده بود، اکتفا می‌نمودند؛ هر جا هم که در تفسیر آیه، روایتی نرسیده بود، توقف می‌کردند و می‌گفتند درباره این آیه چیزی نمی‌توان گفت؛ برای این که نه الفاظش آن ظهوری را دارد که احتیاج به بحث و اعمال فکر نداشته باشد و نه روایتی در ذیلش رسیده است که آن را معنا کرده باشد؛ پس باید توقف کرد.

روش متکلمان در تفسیر قرآن

متکلمان که در مذهب، اقوال مختلفی داشتند، همین اختلاف مسلک و ادارشان کرد که در تفسیر و فهم آیات قرآنی اسیر آرای مذهبی خود باشند و آیات را طوری معنا کنند که با آن آرا موافق باشد و اگر آیه‌ای مخالف رأی آن‌ها بود، تأویل نمایند؛ آن هم طوری تأویل کنند که مخالف سایر آرا و عقاید مذهبی‌شان نباشد.

روشن فلاسفه مشاء، اشراق و متصوفه در تفسیر قرآن ...
 فلاسفه! نیز همان روشی را پیش گرفتند که متکلمان به کار گرفته بودند؛ به طوری که وقتی به بحث پیرامون قرآن پرداختند، سر از تطبیق و تأویل آیات مخالف با آرای مسلم‌شان در آوردند.
 یادآور می‌شود که فلسفه به دو مشرب جدای از هم تفسیر می‌شود: یکی مشرب مشاء که بحث و تحقیق را تنها از راه استدلال معتبر می‌داند و دیگری مشرب اشراق است که معتقدند حقایق و معارف را باید از راه تهذیب نفس و جلا دادن دل و ریاضت کشف کرد.
 مشائیان وقتی به تحقیق در قرآن پرداختند، هر چه از آیات قرآن درباره حقایق ماورای طبیعت و نیز درباره خلقت و حدوث آسمان‌ها و زمین و برزخ و معاد و... بود، همه را تأویل کردند. حتی باب تأویل را آن قدر توسعه دادند که به تأویل آیاتی که با مسلم‌ات فلاسفه ناسازگار بود، قناعت نکرده، آیاتی را هم که با فرضیاتشان ناسازگار بود، تأویل نمودند.
 مثلاً در طبیعیات، در باب نظم اجرام آسمانی، فرضیه‌هایی برای خود فرض کردند که در اصطلاح علمی، این فرضیه‌ها را اصول موضوعه می‌نامند. افلاک کلی و جزئی فرض کردند، عناصر را مبدأ پیدایش موجودات دانسته و بین آن‌ها ترتیب قابل شدند و برای افلاک و عناصر احکامی درست نمودند و با این که خود تصریح کرده‌اند که این احکام بر پایه‌های فرضی بنا شده‌اند و هیچ شاهد و دلیل قاطعی برای آن نداریم، با این حال اگر آیه‌ای از قرآن مخالف همین فرضیه‌ها بود، تأویلش می‌کردند.

۱. منظور از فلسفه، فلسفه به معنای اخص آن یعنی فلسفه الهی به تنهایی نیست؛ بلکه منظور، فلسفه به معنای اعم آن یعنی همه علوم ریاضیات، طبیعیات، الهیات و حکمت عملی است.

اما گروه دیگری از فلاسفه که متصوفه از آن گروه هستند، به دلیل اشتغالشان به تفکر و سیر در باطن خلقت و اعتقادشان به آیات انفسی و بی توجهی به عالم ظاهر و آیات آفاقی، به طور کلی باب تنزیل یعنی ظاهر قرآن را رها کردند و تنها به تأویل آن پرداختند و این امر باعث شد که مردم در تأویل آیات قرآنی جزأت یابند و دیگر حد و مرزی برای آن نشناسند؛ تا آن جا که آیات قرآنی را با حساب جمل و به اصطلاح روشن تر، به حروف نورانی و ظلمانی تفسیر کنند. برخی از حروف را نورانی و حروفی دیگر را ظلمانی نام گذاشته، حروف هر کلمه از آیات را به این دو قسم حروف تقسیم می نمودند و آنچه از احکام را که خودشان برای این دو قسم حروف وضع کرده بودند، بر آن کلمه و آن آیه جاری ساختند:

روش تفسیر قرآن بر مبنای علوم طبیعی و اجتماعی
در قرن حاضر، برخی در اثر غور در علوم طبیعی که اساس حس و تجربه است و نیز غور در مسایل اجتماعی که اساس آن تجربه و آمارگیری است، روحیه حسگری یافته و به طرف مذهب فلاسفه مادی و حسی سابق اروپایی و یا به سمت مذهب اصالت عمل تمایل پیدا کرده اند و در نتیجه گفته اند که معارف دینی نمی تواند مخالف با علم باشد و علم می گوید اصالت وجود، تنها از آن ماده و خواص محسوس آن است؛ بنابراین، دین و معارف آن و هر چه که از دایره مادیات بیرون است و حس ما آن را لمس نمی کند، مانند ارض، کرسی، لوح، قلم و... باید به یک صورت تأویل شود. اساس و بنیان تشریع هم یک نبوغ خاص اجتماعی است که می تواند قوانین خود را بر پایه افکار صالح بنا کند، تا اجتماعی صالح بسازد.

کاستی‌های مشترک تمام مسلک‌های تفسیری مذکور در این بخش، با دقت در روش‌های تفسیری یاد شده، این نتیجه حاصل می‌شود که آنچه را از بحث‌های علمی و یا فلسفی به دست آورده‌اند، بر قرآن کریم تحمیل نموده‌اند؛ بدون این که مدلولات آیات بر آن دلالت داشته باشد. در نتیجه، این گروه‌ها تطبیق آرای علمی و فلسفی خود با آیات قرآن را تفسیر نام نهاده و خفایای قرآن را به صورت مجاز در آورده‌اند.

خطرات تفسیر به رأی

تفسیر به رأی یکی از خطرناک‌ترین تفسیرها در مورد قرآن مجید است که در روایات اسلامی یکی از گناهان کبیره شمرده شده و میانه سقوط از درگاه قرب پروردگار است.

در حدیث آمده است که خداوند می‌فرماید:

مَا آمَنَ بِهِ مَنْ قَسَرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي^۱

آن کس که سخن مرا به میل خود و بر طبق هوای نفس خویش تفسیر کند، به من ایمان نیاورده است. بدیهی است اگر چنین شخصی ایمان صحیحی داشت، کلام خدا را آن چنان که هست می‌پذیرفت، نه آن گونه که مطابق میل او باشد.

در بسیاری از کتاب‌های معروف، از جمله صحیح ترمذی و نسائی و ابی داوود، این حدیث از پیامبر اکرم (ﷺ) نقل شده است که می‌فرمایند:

مَنْ قَالَ فِي الْقُرْآنِ بِرَأْيِهِ أَوْ بِنَا لَا يَعْلَمُ فَلْيَبُوءْهُ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۸، ح ۲۲.

۲. مباحث فی علوم القرآن، مناع الخلیل القطان، ص ۳۰۴.

کاستی‌های مشترک تمام مسلک‌های تفسیری مذکور در این مقاله، با دقت در روش‌های تفسیری یاد شده، این نتیجه حاصل می‌شود که آنچه را از بحث‌های علمی و یا فلسفی به دست آورده‌اند، بر قرآن کریم تحمیل نموده‌اند؛ بدون این که مدلولات آیات بر آن دلالت داشته باشد. در نتیجه، این گروه‌ها تطبیق آرای علمی و فلسفی خود با آیات قرآن را تفسیر نام نهاده و حقایق قرآن را به صورت مجاز در آورده‌اند.

خطرات تفسیر به رای

تفسیر به رای یکی از خطرناک‌ترین تفسیرها در مورد قرآن مجید است که در روایات اسلامی یکی از گناهان کبیره شمرده شده و مایه سقوط از درگاه قرب پروردگار است.

در حدیث آمده است که خداوند می‌فرماید:

مَا آمَنَ بِي مَنْ قَسَرَ بِرَأْيِهِ كَلَامِي^۱

آن کس که سخن مرا به میل خود و بر طبق هوای نفس خویش تفسیر کند، به من ایمان نیاورده است.

بدیهی است اگر چنین شخصی ایمان صحیحی داشت، کلام خدا را آن چنان که هست می‌پذیرفت، نه آن گونه که مطابق میل او باشد. در بسیاری از کتاب‌های معروف، از جمله صحیح ترمذی و نسائی و ابی داود، این حدیث از پیامبر اکرم (ﷺ) نقل شده است که می‌فرمایند:

مَنْ قَالَا فِي الْقُرْآنِ بِرَأْيِهِ أَوْ بِمَا لَا يَعْلَمُ فَلْيَبْئُوءْ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ^۲

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۲۸، ح ۲۲.

۲. مباحث فی علوم القرآن، مناع الخلیل القطان، ص ۳۰۴.

کسی که قرآن را به میل خودش تفسیر کند، یا ناآگاهانه چیزی درباره آن بگوید، باید آماده شود که جایگاهش در دوزخ قرار گیرد.

منظور از تفسیر به رأی آن است که قرآن را مطابق میل و عقیده شخصی یا گروهی خویش معنی کند، بی آن که قرینه و شاهی بر آن باشد. چنین کسی در واقع تابع قرآن نیست، بلکه می‌خواهد قرآن را تابع خویش گرداند و اگر ایمان کاملی به قرآن داشت، هرگز چنین نمی‌کرد.

بنابراین، تفسیر قرآن بر خلاف موازین علم لغت و ادبیات عرب و فهم اهل زبان و تطبیق آن بر پندارها و خیالات باطل و تمایلات شخصی و گروهی، موجب تحریف معنوی قرآن است.

تفسیر به رأی، شاخه‌های متعددی دارد؛ از جمله بزخورد گزینشی نسبت به آیات قرآن است. به این معنی که انسان مثلاً در بحث شفاعت، توحید، امامت و... تنها به سراغ آیاتی برود که در مسیر پیش داوری اوست و آیات دیگری را که با افکار او هماهنگ نیست و می‌تواند مفسر آیات دیگر باشد، نادیده بگیرد.

بنابراین، همان طور که جمود درباره الفاظ قرآن مجید و بی‌توجهی به قزاین عقلی و نقلی معتبر، نوعی انحراف است، تفسیر به رأی نیز انحراف دیگری منسوب می‌شود و هر دو مایه دور افتادن از تعلیمات والا و ارزش‌های قرآن است.

خلاصه این که، در بین همه روش‌های تفسیری، تنها روش تفسیر به مأثور بهترین است؛ زیرا این روش به معنای تفسیر به کمک یک نقل و اثر است. این نقل و اثر می‌تواند آیه‌ای از آیات قرآن باشد، در شرایطی، یا حدیثی از روایات پیامبر اسلام (ﷺ) باشد در شرایط دیگر. بعد از پیامبر اکرم (ﷺ) اختلاف است بین شیعه و سنی که تفسیر با استفاده از روایات ائمه معصومین (علیهم‌السلام) باشد یا نقل قول‌های صحابه و در بعضی از شرایط، نقل قول‌های رسیده از تابعین و گاهی آنچه که از ائمه تابعین به دست آمده است.

در روش تفسیر به مآثور، عمده بر این استوار است که رأی مفسر ملاک نباشد و حداکثر چیزی را که به عنوان رأی مفسر می‌توانیم در این شیوه ببینیم، انتخاب روایات به وسیله مفسر است. تفاسیر نقلی - چه در شیعه و چه در اهل سنت - غالباً صبغه روایی دارند.

تعریف تفسیر نقلی در کتاب اصول التفسیر و قواعد اچنین آمده است: «تفسیر نقلی عبارت است از تفسیر به مآثور، تفسیر به کمک یک اثر، که شامل موارد زیر می‌شود.

تفسیری از آیات قرآن که در خود قرآن وارد شده است؛ به این صورت که گاه آیه‌ای به اجمال در قرآن وجود دارد و آیه‌ای دیگر آن را تفسیر کرده است؛ همچنین این موضوع شامل قرائات هم می‌شود.

دومین ماده اثر، تفسیر وارد شده از پیامبر (ﷺ) است که این همان سنت نبوی است.

سومین ماده اثر، تفسیری است که از ناحیه صحابه وارد شده است؛ صحابه‌ای که معاصر با زمان نزول وحی بودند و اسباب نزول را مشاهده کرده و زمینه‌های نزول آیات قرآن را به عیان دیده و در نتیجه این اتفاقات، آگاه‌ترین مسلمانان به تأویل و تفسیر قرآن شدند.»

نویسنده کتاب اصول التفسیر و قواعد، در ادامه می‌نویسد که البته دانشمندان ما تفسیر وارد شده از ناحیه تابعین را هم وارد کرده‌اند؛ به سبب این که آنان با اصحاب پیغمبر زندگی کرده و از علوم آن‌ها سیراب شده‌اند. بنابراین، آن‌ها هم از پیشینیان صالح در این زمینه‌اند و این کتب تفسیر به مآثور است که از اقوال و تفاسیر آنان پر است.

حد صلاحیت صحابه در تفسیر به مآثور

به عقیده محققان، منقولات صحابه در حوزه اسباب النزول که حاصل مشاهدات آنان است، در صورتی که با سند صحیح و موثق نقل شود، قابل اعتنا و به عنوان یکی از مدارک در تفسیر به مآثور قابل استناد است؛ چرا که گاهی تفسیر و بیان آیه‌ای متوقف بر بیان ضحیح شأن نزول آن است و نیز اگر در مواردی اصحاب پیامبر (ﷺ) در زمینه آیه‌ای مطالبی را نقل کنند که با زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و یا سیاسی زمان نزول آن آیه کاملاً هماهنگ باشد. در غیر از این موارد، بیانات صحابه در تفسیر می‌تواند مصادیقی از تفسیر اجتهادی باشد که یا متأثر از درک لغوی، یا متأثر از درک ادبی و یا متأثر از درک فقهی خاص است و نظیر آن در تفاسیر اجتهادی دیگر هم دیده می‌شود.

تفاسیر مهم شیعه و سنی

طبقه و گروهی از مفسران هستند که در تفسیر، کتاب تألیف کرده‌اند. کتب تفسیری که در شیعه و سنی نوشته شده است، از حد شمارش خارج است، لذا در این قسمت تنها به ذکر معروف‌ترین تفاسیری که هم‌اکنون در میان شیعه و سنی رایج است، اکتفا می‌کنیم.

مفسران شیعه به مفسران عصر ائمه و مفسران عصر غیبت تقسیم می‌شوند. بسیاری از اصحاب ائمه که برخی از آن‌ها ایرانی هستند، تفاسیری نوشته‌اند؛ از قبیل ابو حمزه ثمالی، ابوبصیر اسدی، یونس بن عبدالرحمن، حسین بن سعید اهوازی، علی بن مهزیار اهوازی، محمد بن خالد برقی قمی و فضل بن شاذان نیشابوری. مفسران عصر غیبت نیز فراوانند. در این جا برای نمونه، تنها به ذکر نام کتب تفسیری معروف می‌پردازیم.

۱. تفسیر علی بن ابراهیم قمی
این تفسیر از معروف‌ترین تفاسیر شیعه است. پدر علی بن ابراهیم از کوفه به قم منتقل شد. وی از مشایخ شیخ کلینی است و تا سال ۳۰۷ در قید حیات بود. این تفسیر از نظر جامعیت، تمام قرآن را پوشش می‌دهد، اما تمام آیات را در بر نمی‌گیرد. تفسیر علی بن ابراهیم قمی یک تفسیر روایی است.

۲. تفسیر عیاشی
مؤلف این تفسیر، محمد بن مسعود سمرقندی، استاد کشی، رجالی، محدث و فقیه شیعه در قرن سوم هجری است. این تفسیر با استفاده از روایات امام باقر (ع) و امام صادق (ع) و بعضاً امامان دیگر به ترتیب سوره‌های قرآن نوشته شده و خالی از اظهار نظر مؤلف است.

۳. تفسیر تبیان
نویسنده این تفسیر شیخ الطائفه، ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی الطوسی است. وی در ادبیات، کلام، فقه، تفسیر و حدیث پیشوا بود.

۴. مجمع البیان
فضل بن حسن طبرسی در ذی القعدة سال ۵۶۳ هجری از تألیف این تفسیر فراغت یافت. مجمع البیان از نظر ادبی و حسن تألیف، بهترین تفسیر است و شیعه و سنی برای آن اهمیت فراوان قایل‌اند. طبرسی، تفسیر مختصری نیز به نام جوامع الجوامع دارد. وی پس از فراغت از تألیف مجمع البیان، به تفسیر کشاف زمخشری واقف شد و در آن نکاتی از

جنبه‌های ادبی یافت که در مجمع البیان نیآورده بود، لذا تفسیر جوامع الجامع را با توجه به لطایف کشاف نگاشت.

۵. روض الجنان

معروف به تفسیر ابوالفتح رازی است. این تفسیر به زبان فارسی است و از معروف‌ترین و غنی‌ترین تفاسیر شیعه است.

۶. تفسیر ملاصدرا

صدرالمতالہین شهرتش به فلسفه و عرفان است و خود در این رشته صاحب مکتب است. تفسیر ملاصدرا شامل تفسیر برخی از سوره‌های قرآن می‌باشد. این تفسیر به صورت کامل نیست، ولی مفصل است.

۷. منهج الصادقین

این تفسیر به زبان فارسی است و مؤلف آن مرحوم ملافتح اللہ بن شکر اللہ کاشانی است که در قرن دهم هجری می‌زیسته است.

۸. برهان

مرحوم سید هاشم بحرینی از محدثان و متتبعان معروف شیعه، این تفسیر را طبق مذاق اخباری‌ها به رشته تحریر در آورده است. وی همچون اخباری‌ها معتقد است که قرآن تنها با حدیث، قابل تفسیر می‌باشد؛ بدون هیچ توضیح دیگری و حتی بدون این که کوچک‌ترین توضیحی درباره همان احادیث و کیفیت تفسیری آن احادیث داده شود؛ صرفاً به این صورت که احادیث مربوط نقل گردد و به همان نقل اکتفا شود.

۹. نور الثقلین

شیخ عبدالعلی بن جمعه از علمای حویزی و معاصر مرحوم مجلسی و شیخ حر عاملی، مؤلف این تفسیر می‌باشد که آن را با عنایت به نقل اخبار و احادیث نوشته است.^۱

۱۰. جامع البیان فی تفسیر القرآن

جامع البیان، معروف به تفسیر طبری است. مؤلف آن، طبری، مورخ و محدث و فقیه معروف است. وی از علمای طراز اول اهل سنت به شمار می‌رود. طبری در ابتدا از نظر روش فقهی تابع شافعی بود، اما بعدها خود مکتب فقهی مستقلی تأسیس کرد و از هیچ یک از پیشوایان فقه اهل تسنن پیروی نکرد.

۱۱. کشف

این تفسیر از نظر نکات ادبی به ویژه نکات بلاغی، در میان همه تفاسیر ممتاز است. مؤلف این تفسیر، ابوالقاسم محمود بن عمر زرخشری خوارزمی ملقب به جلاله است.

۱۲. مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)

تألیف محمد بن عمر بن حسین بن حسن بن علی معروف به امام فخر رازی است. وی از مشاهیر علمای اسلام است که خودش و تفسیرش و برخی از افکار و آرای فلسفی و کلامی او در میان شیعه و سنی معروف است.

۱. برگرفته از کتاب الذریعة الی تصانیف الشیعة، حاج شیخ آقا بزرگ تهرانی.

۱۳. کشف الاسرار و عدة الابرار

نوشته ابوالفضل رشید الدین میبدی یزدی به زبان فارسی است. در یک مرحله از این کتاب، تفسیر عرفانی آیات قرآن بیان شده است.

۱۴. تفسیر ابن کثیر

مؤلف این تفسیر، ابن کثیر معروف به ابوالفداء است.

۱۵. الدر المنثور

نوشته جلال الدین سیوطی است که تفسیری به ماثور می باشد؛ یعنی آیات را با اخبار و روایاتی که رسیده، تفسیر کرده و از این جهت جامع احادیث تفسیری اهل تسنن است.

۱۶. روح البیان

این تفسیر به فارسی و عربی نوشته شده و اشعار فارسی عرفانی زیادی در آن گنجانده شده است. مؤلف این تفسیر، شیخ اسماعیل حقی از علمای عثمانی می باشد.

۱۷. روح المعانی

تألیف سید محمود بن عبداللّه بغدادی حسینی حسینی معروف به آلوسی است. وی شافعی مذهب بوده، اما در بسیاری از مسایل از فقه حنفی پیروی کرده است.

۱۸. بیان السعادة: «...» این تفسیر عرفانی از قرآن را سلطان محمد گنابادی تألیف کرده است. از ویژگی‌های این تفسیر آن است که به وفور نکات بدیع عرفانی و تحلیل ولایی از آیات دارد، و به حق، تشنگان روشن تفسیری ولایی را سیراب می‌کند.

تفسیر ولایی چیست؟
تفسیر ولایی مبتنی بر این است که حقیقت آیات قرآنی نزد اهل بیت (علیهم السلام) است. مفسر باید به آیات نقلی و انفسی آن‌ها مراجعه کند، که هر کدام شرایط خاص خود را دارند.

مولای متقیان علی (علیه السلام) در این باره فرمودند:
وَعِنْدَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ أَبْوَابُ الْحِكْمِ وَضِيَاءُ الْأَمْرِ أَلَا وَإِنْ شَرَّاعِ الدِّينِ وَاحِدَةٌ وَسُبُلُهُ قَاصِدَةٌ. مَنْ أَخَذَ بِهَا لِحَقٍّ وَغَنِمَ وَمَنْ وَقَفَ عَنْهَا ضَلَّ وَنَدِمَ.
ابواب حکمت و نور و حقیقت هر امری نزد ما اهل بیت است. آگاه باشید که راه‌های دین که نزد ماست، یک راه مستقیم و میان‌بُر است. کسی که آن راه را پیش گیرد، به منزل رسیده و سود می‌برد و کسی که در آن راه نرود، گمراه است و پشیمانی به او روی خواهد آورد.

امام صادق (علیه السلام) طی حدیثی درباره قرآن فرمودند:
إِنَّ كِتَابَ اللَّهِ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءٍ: الْعِبَارَةُ وَالْإِشَارَةُ وَاللَّطَائِفُ وَالْحَقَائِقُ. قَالَ الْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ وَاللَّطَائِفُ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقُ لِلْأَنْبِيَاءِ.
همانا کتاب خدا بر چهار چیز است؛ عبارت و اشارت و لطایف و حقایق. پس

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۰.

۲. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۹. البته این حدیث به امام حسین (علیه السلام) نیز منسوب است.

عبارت برای عوام و اشارت برای خواص و لطایف برای اولیاء و حقایق مخصوص انبیاء است.

بر این اساس، سیر در مراحل اشارت و لطایف و حقایق، تنها با نور ولایت اهل بیت علیهم السلام امکان پذیر است؛ چرا که مولای موحدان امیر مؤمنان فرمودند:

أَنْزَلُوهُمْ إِلَى أَحْسَنِ الْمَنَازِلِ الْقُرْآنِ

به واسطه اهل بیت، منازل و مراحل قرآن را طی کنید.

از معیت کی کنم من فهم راز جز که از بعد سفرهای دراز

دانش آن بنود موقوف سفر نباید این دانش به تیزی فکر

البته شرط منزل پیمایی در قرآن، طهارت نفس و پاکی باطن است؛ زیرا به حکم آیه لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ، مفسر تا به پاکی جان و طهارت باطن نرسد، نمی تواند حقایق قرآنی را درک کند. اما اگر این دو شرط را به جا آورد، یعنی سفر با اهل بیت در قرآن و طهارت باطن داشت، باب الهامات غیبی به وی او باز می شود؛ همان بابی که حکیم ملاصدرا در فهم آیات قرآنی می گوید:

«چون وحی منقطع و باب رسالت بسته شد، راه الهام گسسته نگشت. خداوند

در وحی را بسته و در الهام را از جهت رحمت بر بندگان خود باز فرموده است.»^۱

البته این طهارت را علامه سید حیدر آملی تحت عنوان تقوا و مراحل ده گانه آن مورد بحث قرار داده است؛ به طوری که تقوا، عقل و دل و احساس را تسلیم نور ولایت اهل بیت علیهم السلام می کند؛ یعنی در تفسیر ولایتی، نه تنها معاضدت و تنازع بین برهان و عرفان نیست، بلکه هر دو در پرتو هدایت انوار ولایت، جایگاه خود را پیدا می کنند و با معاندت و همکاری، حجاب از چهره حقایق بر می دارند.

بنابراین، روش ما در تفسیر واژگان عرفانی قرآن، همان طریقه ولایتی علامه سید

۱. مفاتیح الغیب، ملاصدرا، مفتاح اول، تصحیح محمد خواجوی، ص ۴۴.

حیدر است که به حق پرچم‌دار این عرصه بعد از اهل بیت (علیهم‌السلام) به حساب می‌آید. افسوس! و صد افسوس که از مجموعه تفسیر این عارف برجسته شیعی، جز مقدماتی در اختیار نیست. از این جهت ما سعی می‌کنیم بر اساس دستورالعمل ایشان در تفسیر عمل نماییم؛ باشد که از این طریق به فضای بلند اندیشه او راه پیدا کنیم.

اینک این مقدمه را با دستورالعمل تفسیری علامه به پایان می‌بریم، تا شاید تلاش این حقیر و دوستان و همکاران عزیز و قرآن دوست، باب ورودی به عرصه تفسیر ولایی علامه سید حیدر آملی (رحمته‌الله) باشد و خیر و بهره‌ای از این رهگذر با عنایت الهی نصیب همه خوشه‌چینان خرمن ولایت گردد.

اولین مفسر علم تفسیر، همزمان با نزول قرآن از طریق پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم) آغاز شده است و اولین مفسر و مبین قرآن، شخص حضرت خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم) بوده است و اصولاً تفسیر و تبیین آیات قرآن، وظیفه و رسالتی بود که از ناحیه حق تعالی بر عهده آن حضرت گذاشته شده بود:

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ^۱

مفسر دوم

در مرحله دوم، پس از نزول آیات قرآن، خود قرآن است که مفسر و مبین کامل و مطمئن برای آیات قرآن خواهد بود و این تفسیر و مفسر علی‌الدوام زنده و جاوید بوده و راهگشا در بیان معارف قرآن است.

این حقیقت را قرآن یادآوری کرده است؛ چرا که قرآن بیانگر همه مغارف و

روشنگر همه تاریکی ها و خود نور است و نور ذاتاً روشن و مظهر غیر است.
 وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بُشْرَىٰ لِّلْمُسْلِمِينَ^۱
 قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَ كِتَابٌ مُبِينٌ^۲
 وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِی كِتَابٍ مُبِينٍ^۳
 آنچه بیانگر همه چیز است، بیانگر خودش هم خواهد بود.

این حقیقت در سخنان نورانی حضرت امیرالمؤمنین - قرآن ناطق - در نهج البلاغه هم آمده است:
 كِتَابُ اللَّهِ... وَ يَنْطِقُ بَعْضُهُ بِبَعْضٍ وَ يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَىٰ بَعْضٍ^۴
 مفسر سوم

در مرحله سوم، مفسر حقیقی قرآن، اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) هستند؛ چرا که آنان باب علوم اولین و آخرین، وارثان علم نبی (صلی الله علیه و آله)، و ثقل اکبر در حقیقت، و ثقل اصغر در ظاهر و ظهور هستند.
 اصولاً هر چه از منبع عصمت و اهل بیت نبوت و صاحبان حقیقت ولایت رسیده است، از قبیل احادیث و اخبار و ادعیه و مناجات، همه تفسیر قرآن است.
 امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَفِيهِ نَبَأٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ نَحْنُ وَلاَةُ أَمْرِ اللَّهِ وَ خَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَ عِيَّةُ وَحْيِ اللَّهِ ﷻ
 امام کاظم (علیه السلام) می فرمایند:

نَحْنُ الَّذِينَ اصْطَفَانَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَوْثَقَنَا هَذَا الَّذِي فِيهِ تِبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ^۵

۱. نحل، ۸۹.

۲. مائده، ۱۵.

۳. انعام، ۵۹.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳.

۵. اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۲، ح ۱.

۶. همان، ص ۲۲۶، ح ۷.

امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:
 فَإِنَّ مُحَمَّدًا صلی الله علیه و آله أَمِينُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ فَلَمَّا قُبِضَ صلی الله علیه و آله كُنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ وَرَثَتَهُ ۱.

طریق استفاده از روایات در تفسیر قرآن

برای استفاده از روایات و سخنان اهل بیت علیهم السلام در فهم و تفسیر قرآن، حداقل، مراعات امور زیر ضروری است:

الف. مراجعه به روایاتی که به طور خاص، ذیل قسمتی از آیات قرآن و در تفسیر و تطبیق آن‌ها وارد شده است؛ البته با توجه به این که در غالب آن روایات، (موارد یاد شده)، مصداق و نمونه بیان شده است و این خود راهی برای کشف ضابطه و الگویی برای تفسیر آیات خواهد بود.

شایان ذکر است که در بعضی از آیات، بیان مصداق به عنوان مصداق منحصر به فرد است؛ مثل آیه تطهیر که مخصوص اهل بیت علیهم السلام است.

ب. ضروری است با مراجعه به روایات و دقت و تأمل در احادیث تفسیری اهل بیت علیهم السلام، روش و سبک تفسیری آن بزرگوران را به دست آورد. در صورتی که طرز استفاده از آیات قرآن و تفسیر و تطبیق آن‌ها با یکدیگر و راه کشف معانی و معارف قرآن، از طریق روایات به دست آید، به راحتی می‌توان با همان روش در تفسیر قرآن وارد شد و به دریای بیکران نور راه پیدا کرد.

ج. از آن جا که همه بیانات حضرات معصومین علیهم السلام تفسیر قرآن به حساب می‌آید، و نیز از آن رو که آنان در بیان و تشریح موضوعی از موضوعات متنوع اسلامی و قرآنی و انسانی، فروگذاری نداشته‌اند و آنچه را که انسان، از آن جهت که انسان است و در علوم و معارف انسانی احتیاج دارد، بیان کرده‌اند، باید آیات قرآن

و موضوعات و عناوین قرآنی و حتی کلمات آن با همان بیانات ائمه اطهار (علیهم السلام) در مورد همان موضوعات و کلمات و عناوین تفسیر شود.

تفسیر در مرحله دوم (دست دوم)
آنچه تاکنون درباره تفسیر و مفسر گفته شد، تفسیر و مفسران دست اول بودند، اما در این مرحله از تفسیر، تفسیر و مفسران کلاً از نوع دست دوم هستند. در این مرحله، تفسیری کامل و جامع و خالص و مطمئن خواهد بود که متکی و مستفاد و مستند به سه منبع مذکور باشد و با انس و تدبر در قرآن، آیات قرآن را تفسیر نماید و علوم و معارف و حقایق ظاهر و باطن آن را کشف و تبیین کند.